



از دولت عشق

نویسنده

کاترین پاندر

مترجم

فاطمه طالبی

www.ketab.ir

از دولت عشق



- نویسنده: کاترین پاندر
- مترجم: فاطمه طالبی
- نشر: راز معاصر
- ناشر همکار: نشر پرثوا
- صفحه آرا: فریبا بادامی
- طراح جلد: آتلیه راونیز
- مشاور طرح: پخش راونیز
- چاپ و لیتوگرافی: بارنگ
- صحافی: راونیز
- نوبت چاپ: اول ۱۴۰۰
- شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۸۶۹-۱۲-۵
- تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

کلیه حقوق این اثر متعلق به مؤسسه راونیز می‌باشد.

سرشناسه	: پاندر، کاترین Ponder, Catherine
عنوان و نام پدیدآور	: از دولت عشق / نویسنده کاترین پاندر؛ مترجم فاطمه طالبی
مشخصات نشر	: تهران: راز معاصر، ۱۴۰۰
مشخصات ظاهری	: ۵۶ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۷۸۶۹-۱۲-۵
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
یادداشت	: عنوان اصلی The prospering power of love
موضوع	: موفقیت Success
موضوع	: عشق Love
شناسه افزوده	: طالبی، فاطمه - مترجم
رده‌بندی کنگره	: BJ۱۶۱۱/۲
رده‌بندی دیویی	: ۳۴۸/۴۸۰۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۷۱۴۹۹۴

فهرست مطالب

عنوان

صفحه

مقدمه	۵
فصل اول: شگفتی عشق	۹
فصل دوم: عاشق راه کامیابی خود باشید	۱۹
فصل سوم: نیروی شفا بخش عشق	۲۷
فصل چهارم: نیروی رستخیز بخشی عشق	۳۷
فصل پنجم: بخش اول: روش خاص عشق	۴۳
فصل ششم: بخش دوم: روش خاص عشق	۴۷
فصل هفتم: از دولت عشق	۵۱

مقدمه

نیروی چندجانبه عشق

بیشتر مطالب کتاب پیش رو در سال ۱۹۶۰ به صورت بخش‌هایی از مقالات چاپ و منتشر شده بودند و اینکه به صورت کتاب به دست شما رسیده، مدیون تلاش ویراستارم جیمز ا. ذکر هستیم. این کتاب از بهترین کتاب‌های من است. نخستین گزارش که راجع به کتاب شنیدم؛ از خانم بازرگانی بود که در شهر کانزاس در ایالات میسوری بود و بعد از مطالعه این کتاب و به‌طور خارق‌العاده‌ای، درد پشتش التیام پیدا کرد. گزارش‌های بعدی در مورد زنانی از بازرگانان میشیگانی بود که تصمیم گرفته بودند در شروع جلسات گروهی خود؛ عبارات تأکیدی از دولت عشق را تکرار کنند، عشق و حمایت الهی را برای کار و اعضای خانواده خود بخواهند. مدتی نگذشت که تعدادی از بانوان میان‌سال با مرد ایده‌آل خود ازدواج کردند. یکی از این زنان ۲۵ سال بود که همسر اول خود را از دست داده بود. این خانم برای ازدواج با همسر جدیدش؛ از کار خود استعفاء داد و به همراه شوهرش در خانه‌ای زیبا و آرامش‌بخش در کالیفرنیا، جنوبی، نزدیک ساحل اقیانوس زندگی کرد. گروه مجبور شد؛ اعضای جدیدی را به سازمان خود وارد کند، چراکه

اغلب زنان سازمان ازدواج کردند و از گروه جدا شدند. در این بخش برخی از گزارش‌هایی را می‌نویسم که نخستین بار آنها را دریافت کردم. در ضمن؛ لازم می‌دانم از ناشرم تشکر کنم، چراکه اجازه اضافه کردن این گزارشات را به کتاب دادند.

خوشحالی و خوشبختی مغناطیس‌کننده برای من، ثمره مطالعه کتاب از دولت عشق بود. این کتاب یکی از بهترین کتاب‌هایی است که در ۱۰ سال اخیر خوانده‌ام و آن را به جویندگان حقیقت و افرادی که در روابط خود دچار مشکل هستند و همچنین؛ به کسانی که به دنبال کتابی ساده و الهام‌بخش هستند، معرفی می‌کنم. گزارشاتی از جوانب مختلف طی سال‌های گذشته تا اکنون در مورد کتاب از دولت عشق؛ به دستم رسیده و بیانگر این است که معجزه عشق و محبت، چگونه ثروت، شفا، قدرتمندی، کامیابی و سلامت را به ارمان می‌آورد.

گزارشی از آلاباما به دستم رسیده که مردی؛ بعد از مطالعه این کتاب، به تمام حقوق‌های عقب افتاده‌اش یافته و این را معجزه به‌کار بستن تعالیم کتاب از دولت عشق می‌داند؛ جالب‌تر اینکه این مرد، وقتی کتابش را تمام کرد؛ همان شب جوانی که به او بدهی داشت، ۵۰۰ دلار از بدهی‌اش را بازگرداند.

نامه‌ای از طرف خانمی به دستم رسید که می‌گفت: من مدتی را در بیمارستان روانی گذراندم و روزهای سختی را سپری می‌کردم؛ هزار و یک داستان غم‌انگیز مثل طلاق، دوری از فرزند و فلج شدن را تجربه کردم.

در همان دوران؛ مادرم کتاب از دولت عشق را به من هدیه داد، الان که این نامه را برای تو می‌نویسم، از بیمارستان مرخص شدم و کسب‌وکارم را شروع کردم. بخش زیباتر از زندگی ام؛ دقیقاً همین الان است که هم توانایی راه رفتن را دوباره به دست آوردم و هم، فرزندم کنار خودم زندگی می‌کند. می‌توانم بگویم که من خوشبختم، خیلی خوشبخت. پزشکان معالجم، بارها به من گفته‌اند که تو جزو قوی‌ترین آدم‌هایی هستی که در زندگی خود

دیده‌ام. من قوی؛ با کلی تجربه و پشت سر گذاشتن مسائل تلخ، نگاهی امیدوارانه به آینده دارم و باید بگویم؛ کتاب از دولت عشق شما، یک مسیر طولانی را با من سپری کرده و کنارم بوده است.

در این قسمت، نامه‌های دیگری را برای تان بازگو می‌کنم. من مستأجری را می‌شناختم که وضعیت مالی مناسبی نداشت و اجاره خانه‌اش چند ماه عقب افتاده بود؛ یک روز کتاب از دولت عشق را به او پیشنهاد دادم و او به امید پیدا کردن راه‌حلی مناسب، با ذوق پیشنهادم را پذیرفت. او همیشه با خودش تکرار می‌کرد: عشق الهی در جای‌جای زندگی من مشغول به کار است.

زن سالخورده‌ای از انگلستان؛ برایم نامه‌ای فرستاد و از آمدن عشق پیری در زندگی‌اش گفت و برایم نوشت، بلافاصله بعد از اینکه کتاب از دولت عشق را خواندم؛ مردی که دهه هفتاد زندگی خودش را می‌گذراند و همسرش را از دست داده بود، عاشقم شد و باهم ازدواج کردیم، این مرد وضع مالی فوق‌العاده خوبی دارد و من سعادت خودم را مدیون این کتاب هستم. اما سؤال اینجا است که به چه صورتی و چگونه آرمان‌های این کتاب به نویسنده‌اش کمک کرده است؟!

من خودم هم از این کتاب ممنون هستم، چراکه به میزان درکم از زندگی اضافه کرده و باعث افزایش مفهوم زندگی در من شده است.

نوشتن اغلب مطالب این کتاب به سال‌های اولیه دهه ۱۹۶۰ برمی‌گردد. در آن سال‌ها، من تازه ازدواج کرده بودم و در شهر آستین در آپارتمانی نزدیک دانشگاه تگزاس زندگی می‌کردم.

همسر من در دانشگاه تگزاس تدریس می‌کرد. زندگی خوبی داشتیم که ناگهان؛ همسر من از دنیا رفت و بعد از مرگ شوهرم، عشق برایم پوچ و بی‌مفهوم شده بود. دیگر عشق را باشکوه نمی‌دیدم و در این میان، اندیشه‌های این کتاب بود که به من مجال زندگی داد و باعث آرامش روح و خاطر من می‌شد. من فرصت را غنیمت شمردم و درباره عشق الهی فکر کردم و نوشتم.